



## رضا داوری اردکانی: فلسفه نحوه ای از تفکر است، نه همه تفکر / ۴ نوع تفکر از منظر هایدگر

رضا داوری اردکانی گفت: هایدگر به ۴ نوع تفکر قائل است و فلسفه را یکی از این ۴ نوع می داند که آن را مهم ترین نوع تفکر می داند. لذا فلسفه نحوه ای از تفکر است، نه همه تفکر.

رضا داوری اردکانی گفت: هایدگر به ۴ نوع تفکر قائل است و فلسفه را یکی از این ۴ نوع می داند که آن را مهم ترین نوع تفکر می داند. لذا فلسفه نحوه ای از تفکر است، نه همه تفکر.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست گفتگو پیرامون رساله «فلسفه چیست؟» هایدگر صبح روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار گردید. در این نشست که به همت مرکز سپهر اندیشه جهاد دانشگاهی و انجمن علمی - دانشجویی فلسفه دانشگاه تهران برگزار گردید، اساتید گروه فلسفه دانشگاه تهران به سخنرانی پرداختند.

در ابتدای نشست محمدرضا بهشتی با اشاره به این که هر پرسشی پرسش حقیقی نیست عنوان کرد: سرآغاز فلسفه حیرت است. ممکن است بگویید سرآغاز هر پرسشی حیرت است. اما پرسش حقیقی متأثر از حیرت حقیقی است. حیرت، سرآغاز و آرچه برای فلسفه محسوب می شود. آرچه در زبان یونانی به معنای آغاز کردن است. در درجه اول سرآغاز زمانی و سپس سرآغاز مکانی. اما این سرآغاز با ادامه مسیر ارتباط دارد و باعث می شود این چیز همانی باشد که هست. بنابراین آرچه تنها سرآغاز نیست بلکه اصل حاکم بر شیء نیز هست. این تحلیل هایدگر از نظر ایتمولوژیست ها نیز مورد تأیید قرار گرفته است. آرچه، آن به آن ملازم یا فلسفه است و فلسفه تا زمانی که فلسفه است این آرچه را با خود همراه دارد.

وی افزود: در عصر جدید دیگر سرآغاز، حیرت نیست بلکه شک است و انتهایش رسیدن به یقین از طرف فرد سؤال کننده است و این خیلی با رویکردی که حیرت را اصل می داند متفاوت است.

در ادامه حسین غفاری با اشاره به نشاط آفرین بودن پرسش، حیرت و تفکر فلسفی اظهار داشت: حیرت به معنای سرگرمی نیست بلکه به معنای داشتن دیدی فراتر از دید معمولی و بی تفاوت به مسائل است.

وی افزود: در ذات علم حیرت وجود ندارد. مثلاً وقتی به کشف قوانین طبیعی و فیزیکی می پردازیم حیرت در آن وجود ندارد. ماهیت حیرت، عقلی است و نه حسی. زمانی است که ما می خواهیم بدانیم وراي محسوسات چه چیزهایی وجود دارد. حال اگر از این مرحله فراتر رویم و شهودی برای ما حاصل شود آن وقت دیگر این حیرت بسیار بیشتر خواهد شد.

غفاری با اشاره به این که فلسفه حکم زادگاه و خواستگاه برای علوم انسانی را دارد افزود: نباید نام ادبیات و علوم انسانی برای این دانشکده انتخاب می شد. چون ارتباطی میان این ها نیست. بلکه باید نام فلسفه و علوم انسانی را قرار دهیم. ارتباط تنگاتنگ و مهمی میان فلسفه با سایر علوم انسانی است که باید بیش از پیش به آن توجه کنیم. اما متأسفانه دیده نمی شود که از سایر علوم انسانی به فلسفه رجوع شود و با این رشته که سرآغاز سایر علوم انسانی است فعالیت های مشترک صورت گیرد.

وی در ادامه با پرداختن به رساله هایدگر عنوان کرد: هایدگر معتقد است تعریف فلسفه با فلسفه ممکن نیست. مثل تعریف عقل با عقل. همه این ها دور است. هایدگر معتقد است فلسفه یک رویکرد وجودی در انسان است. نباید دنبال تعریف مفهومی برای آن باشیم. هایدگر می گوید به جای آن که بگوییم فلسفه چیست بهتر است بگوییم فیلسوف کیست.

غفاری در ادامه افزود: ممکن است کشورهای گوناگون جهان، فلسفه مخصوص به خود را داشته باشند اما آن فلسفه ای که در حال حاضر وجود دارد و آثارش موجود است یونانی است. اما این که بگوییم فلسفه ذاتاً مختص یونان است غلط است. من به هایدگر ارادت دارم اما به نظرم می رسد که این حرف او مقداری نژادپرستانه است. مثلاً فلسفه در اسلام یک خواستگاه بیرونی دارد که یونانی است. فلسفه یونان در رشد فلسفه در عالم اسلام تأثیر داشته است. اما فلسفه اسلامی یک خواستگاه درونی بسیار ویژه هم داشته است. مثلاً در قرآن تأکید زیادی بر کلمه "حکمت" وجود دارد که به

عنوان یک اصل برای هدایت بشر از آن یاد می کند. خداوند در قرآن کریم می فرماید نشانه های خود را در آفاق و در انفس قرار داده ایم تا حقیقت بر شما روشن شود. هایدگر می گوید این که موجود که در ساحت وجود جمع شده است برای یونانیان پیش از همه حیرت ایجاد کرده است. اما آیا آن جایی که قرآن می گوید: آیا این برای شما کافی نیست که خداوند بر هر چیزی آگاه است، در این جا ما شاهد حیرت نیستیم؟ بنابراین این نگاه نژادپرستانه و انحصارگرایانه هایدگر صحیح نیست.

در ادامه نشست حمید طالب زاده گفت: پرسش از ماهیت اشیاء از یونان آغاز شده است که این نوع پرسش مربوط به مفهوم لوگوس یونانی است. همین موجب شده است که علم همه چیز را به مفهوم تقسیم می کند. هایدگر فلسفه را مبتنی بر اپیستمه می داند که این به معنای دوست داری دانش است.

در انتهای جلسه رضا داوری اردکانی با تأیید گفته غفاری در ارتباط فلسفه با علوم انسانی عنوان کرد: باید به این مسئله توجه شود. وی افزود: این رساله هایدگر را من از زبان فرانسه ترجمه کرده ام. چون آلمانی بلد نبودم و خیلی به ترجمه دقیق بعضی لغات توجه نکرده ام. این را از این جهت می گویم چون بعضی ها ایرادات ترجمه ای به این نوشته من می گیرند که مثلاً فلان لغت را بهتر بود این طور ترجمه نمی کردی و ... .

وی در ادامه گفت: این که فلسفه با لذات یونانی است اهل مکتب تفکیک را خوشحال می کند. البته تفکر با فلسفه فرق دارد. همچنین فیلسوفان در بخش های مختلف عمرشان دیدگاه های متفاوت دارند. ما هگل یک و هگل دو داریم. حتی ابن سینای یک و ابن سینای دو داریم و همچنین درباره سایر فیلسوفان. هایدگر این کتاب را در اواخر عمرش نوشته و باید به این نکته توجه داشت.

وی افزود: هایدگر به ۴ نوع تفکر قائل است و فلسفه را یکی از این ۴ نوع می داند که آن را مهم ترین نوع تفکر می داند. اروپا با فلسفه ساخته شده است. اگر فلسفه پایان بپذیرد اروپا پایان پذیرفته است. اولین نوع تفکر، شعر است. شعر قبل از فلسفه و یونان بوده است. پس تفکر مختص یونانیان نیست. دومین نوع تفکر، تفکر دینی است که مربوط به انبیاء و اولیاء است. کتاب آسمانی عین تفکر است. هایدگر کمتر راجع به این نوع تفکر صحبت می کند. نوع سوم فلسفه است و نوع آخر، حکمت و سیاست است. سیاست به معنی حکمت آمیز آن. بنابراین فلسفه نحوه ای از تفکر است که اروپا بر اساس آن ساخته شده است، نه همه تفکر.

گزارش از محمد بحرینی